

سید محمدعلی جمالزاده "نویسنده معاصر"

آسیه بهبودی، مدرس ادبیات

چکیده :	۱
مقدمه :	Error! Bookmark not defined.
دوران کودکی	Error! Bookmark not defined.
دوران جوانی	Error! Bookmark not defined.
درگذشت	Error! Bookmark not defined.
فعالیت‌ها	۴
سبک نگارش	۴
معرفی اجمالی مجموعه داستان‌های محمد علی جمال زاده	Error! Bookmark not defined.
مهم ترین داستان‌های جمال زاده عبارتند از :	۵
معرفی آثار :	۹
کتاب‌شناسی	۹
تاریخ و ادبیات	۹
داستان‌ها	۹
سیاسی و اجتماعی	۱۰
ترجمه	۱۰
منابع و مأخذ:	۱۱

چکیده :

سید محمدعلی جمالزاده ۲۳ دی ۱۲۷۴ در اصفهان متولد شد. او را پدر داستان کوتاه زبان فارسی و آغازگر سبک واقع‌گرایی در ادبیات فارسی می‌دانند. او نخستین مجموعهٔ داستان‌های کوتاه ایرانی را با عنوان یکی بود، یکی نبود در سال ۱۳۰۰ خورشیدی در برلین منتشر ساخت. داستان‌های وی انتقادی (از وضع زمانه)، ساده، طنزآمیز، و آکنده از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات عامیانه است. وی در سال ۱۳۷۶ در ۱۰۲ سالگی در خانه سالمندان در ژنو سوئیس درگذشت.

جمالزاده در خانواده‌ای مذهبی در اصفهان به دنیا آمد. او فرزند سید جمال‌الدین واعظ اصفهانی بود. واعظ اصفهانی در اصفهان زندگی می‌کرد، اما غالباً برای وعظ به شهرهای مختلف سفر می‌کرد. جمالزاده پس از ۱۰ سالگی پدر خود را در برخی از سفرها همراهی می‌کرد. وی به همراه خانواده در سال ۱۳۲۱ به تهران مهاجرت کرد.

جمالزاده حدود دوازده سال داشت که پدرش او را برای تحصیل به بیروت فرستاد. در دوران اقامت او در بیروت؛ اوضاع سیاسی ایران تغییر کرد، در آن زمان محمد علی شاه قاجار مجلس را به توپ بست و هر یک از آزادی‌خواهان با مشکلاتی مواجه شدند. پدر جمالزاده خود را به همدان رساند تا از آنجا به عتبات فرار کند، ولی در آنجا دستگیر شد و به بروجرد برده شد. امیر افخم، حاکم بروجرد دستور اعدام او را صادر کرد.

جمالزاده الفبا را در سن چهار سالگی نزد زن دایی اش آمنة بیگم که زن مؤمن و باسوادی در اصفهان بود قرار گرفت. با فراگیری الفبا ابجد و هوز در محله نوبه مکتب ملا محمد تقی (ملا قم تقی) که در یکی از بالاخانه‌های مسجد سید در محله بیدآباد واقع بود سپرد. جمالزاده مجدداً از این مکتب به مکتب دیگری که در یکی از بالاخانه‌های مسجد علیقلی آقا در (محله میرزاها) در نزدیک قبرستان (آب پخشان) رفت و نزد آخوندی بنام ملاطاهر فراگیری خواندن و نوشتن پرداخت. اما وی در این مکتب نیز ماندگار نشد، مادرش این بار او را در راستای بازار بیدآباد نزد میرزا حسن صحاف کسی که کتاب‌های پدرش را صحافی می‌نمود به شاگردی گذاشت، جمالزاده در نزد این شخص هم شاگردی می‌نمود و هم درس می‌خواند، او می‌گوید: تازه آنجا معنی خواندن و نوشتن را تا حدی فهمیدم و کم و بیش دستگیرم شد که منظور از یاد گرفتن این علامت‌های کج و معوج که به نام حروف و حرکات چون کرم‌های زیانکاری از این دوره کودکی مغز و ریشه عمر اطفال معصوم می‌افتند و تا دم مرگ شیره جانشان را می‌مکند چیست.»

جمالزاده در بیروت با ابراهیم پور داود و مهدی ملک‌زاده فرزند ملک المتکلمین چندین سال همدوره بود. در سال ۱۹۱۰ تصمیم گرفت برای ادامه تحصیل به اروپا برود. سپس از راه مصر عازم فرانسه شد. در آنجا ممتازالسلطنه سفیر ایران به وی پیشنهاد کرد که برای تحصیل به لوزان سوئیس برود. سید محمدعلی تا سال ۱۹۱۱ در لوزان بود، پس از آن به شهر دیژون در فرانسه رفت و دیپلم حقوق خود را از دانشگاه آن شهر گرفت.

اوضاع اجتماعی و شرایط زندگی : کودکی جمالزاده با خاطراتی زیبا از کوچه‌های تودر توی شهر تاریخی اصفهان، مساجد و مناره‌ها، حمام‌ها و دکانها، مکتبخانه‌ها و درس و بحث‌ها، بازی و نشست و برخاست با فرزندان ملک المتکلمین و دید و بازدیدهای پدر آغاز شده است و در تلاشها و مبارزات سیاسی همراه وی در پای منبر و شنیدن خطابه‌های آتشینش، تشنج‌ها، و سوءقصد‌ها در تهران ادامه یافته است.

تحصیلات رسمی و حرفه‌ای : جمالزاده پس از گذراندن دوره تحصیل در مکتبخانه به مدرسه آخوندها و طلاب علم رفت. این مدرسه در دهنه بازار بید در کنار نهر معروف به (ماری بابا حسین) قرار داشت. باتوجه به صغرم عمامه به سر نهاد و به صورت طلاب علوم دینی در آمد. آخوندی به نام حاجی آخوندی بدون مقدمه صرف و نحو عربی را با کتاب (جامع المقدمات) به آنها تدریس نمود. در همین زمان مدرسه‌ای به طرز جدید باز توسط میرزا علی خان و حاجی جواد (صراف) باز شد. البته این مدرسه عمر بسیار کوتاهی داشت زیرا این مدرسه را تعطیل گردید. جمالزاده بعد از این جریان برای مدتی از درس و مدرسه دور ماند تا آنکه مادرش با خبر شد که در محله شاشان (شهشاه، شاه شاهان) سید با سواد و انگلیسی دانی به نام میر سید علینقی خانه مسکونی خود را به صورت مدرسه‌ای در آورده است و شاگرد قبول می کند، بنابراین مادرش او را به این مدرسه فرستاد که این مدرسه نیز بعد از مدتی تعطیل شد. بدلیل مسائل سیاسی در سال ۱۳۲۱ جمالزاده به اتفاق خانواده به تهران رفتند. در تهران پدرش او را به مدرسه (ثروت) فرستاد. در مدرسه ثروت کتابهای جغرافیای محمد صفی خان، هندسه علی خان، مارگو برای فرانسه، کتاب دیگری به نام متود که گویا از تالیفات عباسقلی خان بود تدریس می شد. قبل از آنکه جمالزاده از این مدرسه فارغ التحصیل شود، پدرش او را به مدرسه ادب که از موسسات مرحوم حاجی میرزا یحیی دولت آبادی سپرد. او تحصیل در این مدرسه را ادامه داد تا آنکه در این زمان دولت ایران چند نفر معلم فرانسوی برای مدرسه دارالفنون استخدام نمود، بدلیل خالی بودن کلاسهای درس این معلمان که عموماً "گیاه شناسی، حیوان شناسی، و شیمی و غیره بود وزارت معارف وقت (امروز وزارت فرهنگ) عده‌ای از شاگردان مدارس تهران (رشدیه، علمیه، آلیانس، اقدسیه، سیاسی، سادات، اسلامی و ثروت...) را انتخاب نموده و به دارالفنون فرستادند که از جمله این شاگردان جمالزاده بود. شیوه تدریس این معلمان به زبان فرانسه بود لذا شاگردان به دلیل عدم آشنایی با این زبان در فراگیری دروس مشکل داشتند لذا میرزا محمد علی خان فروغی و برادرش میرزا ابوالحسن خان که فرانسه می دانستند سمت مترجمی یافتند و شب‌ها درس‌ها را در نزد معلمان فرانسوی حاضر می کردند و روزها به شاگردان یاد می دادند جمالزاده از دارالفنون چنین تعریف می کند: من بچه سید معمم نا بالغ سر درس علم »

استوئولوژی « یعنی از رفقا از قلعه کبری که دخمه زردشتیان و در بیرون دروازه شاهزاده عبدالعظیم دست چپ واقع بود با تمهیداتی یک جمجه به دست آورده بودیم و با نخود خام سوراخ و ثغه آن را پر کردیم و حداکثر در آن وارد کردیم تا نخودها باد کرد و استخوان های جمجمه را در هم ترکانید و ما توانستیم درس خود را استخوان به دست یاد بگیریم. دو سالی نگذشت که جمالزاده توسط پدرش برای تحصیل به بیروت رفت. سن جمالزاده در این اوقات از دوازده سال در گذشته بود. تمایل وی به تحصیل در دانشگاهها سبب عزیمتش به اروپا شد. جمالزاده با پایان بافتن تحصیلات دوره متوسطه برای تحصیل در رشته حقوق از طریق مصر به فرانسه عزیمت نمود. به توصیه ممتاز السلطنه سفیر ایران به لوزان در سوئیس رفت. تا پایان ۱۳۲۹ قمری در لوزان مانده و بقیه تحصیل خود را در دیژون فرانسه ادامه داد و در سال ۱۳۲۳ فارغ التحصیل شده است.

خاطرات و وقایع تحصیل : جمالزاده در دوران تحصیل در بیروت پدر خود را از دست داد. در این زمان اوضاع سیاسی ایران دگرگون شد. محمد علی شاه مجلس را به توپ بست و هر یک از آزادیخواهان به سرنوشتی دچار شدند. سید جمال (پدر جمالزاده) پنهانی خود را به همدان رسانید تا به عتبات برود. ولی در آنجا به چنگ عمال دولتی افتاد و چون او را به دستور دولت به حکومت بروجرд تحویل دادند در این شهر به اراده حاکم امیر افخم به طناب انداخته و مقتول شد. در مدت تحصیل در اروپا مهمترین حادثه ای که به وقوع پیوست جنگ جهانی بود. وقوع جنگ جهانی موجب تشکیل کمیته ملیون ایرانی به زعامت سید حسن تقی زاده ، دربرلن ، برای مبارزه با روس و انگلیس شده یکی از ایرانیانی که به همکاری در این کمیته دعوت شد سید محمد علی جمالزاده بود. او در سال ۱۹۱۵ به برلن رفت و تا سال ۱۹۳۰ در این شهر زیست.

فعالیت‌های ضمن تحصیل : جمالزاده در زمان تحصیل در مدرسه لازاریست (عین طوره) اندک اندک با نویسندگی به معنای جدید کلمه آشنایی یافته و با روزنامه لاکروآ (Croix) صلیب همکاری نمود که البته در این راه سوی حاصل نکرد.

هم دوره ای ها و همکاران : جمالزاده با مستشرقان ناموری چون ژ.مارکورات، و گایگر،ایگن متیوح اسکارمان آشنا شد. و از هم سخنی با آنان دامنه اطلاعاتش نسبت به کتاب های اروپایی درباره مشرق گسترش یافت و بر راه و روش اروپایی تحقیق آگاهی یافت. جز این با ایرانیان دانشمندی چون محمد قزوینی،سید حسن تقی زاده، میرزا فضا علی آقا تبریزی (موسوی) آشنایی و همکاری یافت و از نشست و برخاست با اقران خود چون حسین کاظم زاده ایرانشهر، ابراهیم پور داود،محمود غنی زاده،سعدالله خان درویش، مهدی ملکزاده، سود جست.

آرا و گرایشهای خاص :جمالزاده با اینکه در نگارش داستان های خود از نویسندگان اروپایی متأثر بوده ، اما با تمسک به هنر قصه پردازی ایرانی و آفرینش روش های روایتگری به سبک داستان سرایان کهن و کاربرد اصطلاحات و مفاهیم سنتی ، گویی هنوز هم در « محله سید نصر الدین » تهران سکونت دارد و سخنان شیوا و

آرمان های داستانی او متعلق به مردم این سرزمین است که در فرهنگ ایرانی زندگی می کنند و از این رو نویسندگان و نقادان ایرانی حق دارند که بگویند : « جمالزاده از ایرانی ترین نویسندگان معاصر ایرانی ترین نویسندگان معاصر ایران است ». جمالزاده فعالیت نویسندگی را با پژوهش آغاز کرد و پیش از آن که به داستان نویسی مشهور گردد ، نویسنده مباحث تاریخی و سیاسی و اجتماعی به شمار می آمد ؛ وی به مناسبت پیشگامی در نوشتن داستان کوتاه به اسلوب اروپایی ، بی گمان مبتکر و موسس این سبک بوده است .

جمالزاده در زمستان ۱۳۷۶ پس از آن که از آپارتمانش در خیابان «رو دو فلوریسان» ژنو به یک خانه سالمندان منتقل شد درگذشت. بنا بر نوشته ثبت شده در کنسولگری ایران در سال ۱۳۷۰، پس از درگذشت او ۲۶ هزار برگ از نامه ها، دست نوشته ها و عکس های او در خانه اش به سازمان اسناد ملی تحویل داده شده است.^[۴] جمالزاده روز هفدهم آبان ۱۳۷۶ در شهر ژنو- کنار دریاچه لمان- در سن یکصد و شش سالگی درگذشت.

فعالیت ها

همزمان با جنگ جهانی کمیته ای به نام کمیته ملیون به رهبری سید حسن تقی زاده برای مبارزه با روسیه و انگلیس در برلن تشکیل شد. این کمیته سید جمال الدین را به همکاری دعوت نمود. سید جمال الدین در سال ۱۹۱۵ به برلن رفت و تا سال ۱۹۳۰ در آن جا اقامت داشت. پس از اقامت کوتاهی در برلن برای مأموریت از طرف کمیته ملیون به بغداد و کرمانشاه رفت و مدت شانزده ماه در آنجا اقامت داشت. در بازگشت به برلن مجله کاوه (۲۴ ژانویه ۱۹۱۶ اولین شماره آن به چاپ رسید) وی را به همکاری دعوت کرد و تا تعطیلی مجله (۳۰ مارس ۱۹۲۲) به همکاری خود با تقی زاده ادامه داد.

پس از تعطیلی مجله کاوه، سرپرستی محصلین ایرانی در سفارت ایران را به عهده گرفت. او به مدت هشت سال این مسئولیت را به عهده داشت، تا اینکه در سال ۱۹۳۱ به دفتر بین المللی کار وابسته به جامعه ملل پیوست. پس از بازنشستگی در سال ۱۹۵۶ از برلن به ژنو رفت و تا پایان عمر در آنجا اقامت داشت.

جمالزاده بیشتر عمر خود را در خارج از ایران سپری کرد. اما می توان گفت که تمام تحقیقاتش در باره ایران و زبان فارسی و گسترده کردن دانش ایرانیان بود. علیرغم اینکه در رشته حقوق تحصیل کرد ولی در باره حقوق مطلبی ننوشت .

سبک نگارش

محمدعلی جمالزاده را همراه با صادق هدایت و بزرگ علوی سه بنیانگذار اصلی ادبیات داستانی معاصر فارسی می‌دانند. داستان کوتاه» فارسی شکر است «را که در کتاب یکی بود یکی نبود او چاپ شده‌است، عموماً به عنوان نخستین داستان کوتاه فارسی به شیوه غربی می‌شمارند. این داستان پس از هزار سال از نثرنویسی فارسی نقطه عطفی برای آن به شمار می‌رفت. به علاوه، مقدمه جمالزاده بر کتاب یکی بود یکی نبود سند ادبی مهم و در واقع بیانیه نثر معاصر فارسی است. در این مقدمه جمالزاده مواکداً بیان می‌کند که کاربرد ادبیات مدرن نخست بازتاب فرهنگ عامه و سپس انعکاس مسائل و واقعیتهای اجتماعی است.

جمال زاده نویسنده ای پرکار است و جز داستان در زمینه هایی چون پژوهش، ترجمه، نقد، تاریخ و فرهنگ کتاب ها و.....آثاری از خود بر جای گذاشته است.

مهم ترین داستان های جمال زاده عبارتند از :

۱- یکی بود یکی نبود (۱۳۰۱ برلین):

جمال زاده داستان نویسی را با یکی بود یکی نبود آغاز کرد. این کتاب شش داستان را در بر می گیرد و اولین داستان آن ، فارسی شکر است، نام دارد. یکی بود یکی نبود ابتدا در مجله ی کاوه چاپ شد و در مجلس مقاله خوانی مورد اقبال و تشویق اعضا قرار گرفت .

داستان به قصد دفاع از زبان شیرین و ساده ی فارسی و پرهیز از افراط و تفریط در آن با طنزی لطیف و زبانی شیرین نگاشته شده است .عنوان داستان برگرفته از آغاز کلام قصه سرایان ایرانی است

باتوجه به آنچه درمقدمه ی یکی بود یکی نبود می خوانیم ،قصد جمال زاده در این داستان بیشترارائه ی نمونه ای از یک نثرساده با استفاده از گنجینه ی فرهنگ ولغات مردم بوده است .داستان (رجل سیاسی)از این مجموعه فرصت طلبان و سیاسی کاران را به تمسخر می گیرد. این داستان ،حکایت پنبه زنی است که در اوضاع واحوال آن روز ایران به وکالت مجلس برگزیده می شود و سری توی سرها در می آورد .داستان نقد ظریف وموثر اوضاع آشفته ی ایران است .میرصادقی این داستان را شبیه داستان عامیانه ی (رمال باشی) می داند .در(دوستی خاله خرسه)با یک جوان غیرتمند ایرانی به نام حبیب الله آشنا می شویم که به دست قزاق ها کشته می شود . این داستان بانگاهی انتقادی به رفتارهای زشت وناپسند قزاق ها وتزارها می پردازد.

درد دل ملا قربانعلی نیز درظاهر لطیفه وار خود ،شرح اعتراف گونه ی زندگی ملا قربانعلی وبیان خطاها ولغزش های اوست .داستان از مایه های عشق وغم خالی نیست .

ویلان الدوله سرگذشت شخصی خانه به دوش و سرگردان و طفیلی و فرصت طلب است که سرانجام از بی سر و سامانی خود به تنگ می آید و دست به خود کشی می زند. زندگی و عاقبت کار او را با شماچکین قهرمان شئل گوگل مقایسه کرده اند.

در بیله دیگ بیله چغندر شیوه ی اداری و حکومتی آن ایام را نقد می کند و از زبان یک مستشار فرنگی برخی روایات ایرانیان را به داوری می نشیند .

تمامی منتقدان آثار جمال زاده این کتاب را از بهترین آثار او به شمار می آورند . شش سال پس از انتشار یکی بود یکی نبود (۱۳۴۰) در برلین ، چاپکین ، خاورشناس روس نوشت : تنها با یکی بود یکی نبود است که مکتب و سبک رئالیستی در ایران آغاز شد و هم این سبک و مکتب است که در واقع شالوده ی جدید ادبیات داستان سرایی در ایران گردید . یکی بود یکی نبود پس از چرند و پرند دهخدا مهم ترین رویداد نثر فارسی طی سده ی گذشته است .

۲- قصه ی غصه ها (۱۳۲۰) یا قصص العلما

۳- دار المجانین (۱۳۲۱):

داستان جوانی به نام محمود است که پس از فوت پدر به عموی پست خود پناه می برد . عاشق دختر عموی خود می شود و چون او را شوهر می دهند ، از فرط غم به جنون مبتلا می شود و به دار المجانین می افتد .

جمال زاده در این کتاب نشان می دهد که همه به نحوی مجنونند. به اعتقاد دستغیب ، جمال زاده در دار المجانین به جنگ بوف کور هدایت می رود و آشکارا شکست می خورد . بخش عمده ای از کتاب وصف (هدایت علی خان) و نقل بخش هایی از داستان های هدایت است .

۴- تلخ و شیرین (۱۳۲۲) :

حاوی هفت داستان به نام های یک روز در رستم آباد، حق و ناحق، درویش مومیایی، سرگذشت اولاد بشر، خواستگاری، آتش زیر خاکستر و پیش پاست. بهترین داستان این مجموعه درویش مومیایی است که بر اساس طرح داستان (برهمن دانا) اثر ولتر نوشته شده است . جمال زاده در این اثر به تجزیه و تحلیل روانی شخصیت قصه هایش می پردازد.

۵- قلشن دیوان (۱۳۲۵):

جمال زاده در این داستان به توصیف اوضاع و احوال مردم ایران در قالب بیان خاطرات جوانی خود در تهران آن روز می پردازد. در این اثر، او چهره ی قلدر شیادی به نام قلتشن دیوان را ترسیم می کند که مردی حق کش، نان به نرخ روز خور، قلدر، محترک و عوام فریب است. جمال زاده با اغراق در توصیف های تنفر انگیزش، چهره ی زشت امثال قلتشن دیوان را به خوبی نشان می دهد.

۶- صحرای محشر (۱۳۲۶):

در این اثر، جمال زاده باطنز پرکشش و نگاه انتقادی روز محشر را در هشت پرده به تصویر می کشد. سرتاسر کتاب هزل و طنز و انتقاد است. این کتاب برخی عقاید را درباره ی بهشت و جهنم به باد انتقاد می گیرد. نشر کتاب یک دست نیست. به نظر می رسد جمال زاده به جنبه های فکاهی این اثر بیشتر نظر داشته است. این کتاب بهانه ای است برای انتقاد از اوضاع و احوال محیط آن روزگار که از رشوه خواری، بیداد حاکمان، ریاکاری و..... رنج می برده است

۷- راه آب نامه (۱۳۲۶):

این داستان نیز سرگذشت ساکنان یک کوچه ی بن بست در تهران است که برای تعمیر راه آب محله شان به توافق می رسند. پس از تعمیر راه آب ساکنان از پرداخت سهمیه ی خود سرباز می زنند. در این داستان، جمال زاده انتقاد خود را از اخلاق اجتماعی مردم مطرح می کند.

۸ - معصومه شیرازی (۱۳۳۳):

این داستان پرده ی ششم کتاب صحرای محشر است در نقد این کتاب گفته اند: این داستان شبیه یکی از فصول کتاب حاجی بابا اصفهانی است. فضای داستان مربوط به قرن ششم و عهد ملک شاه سلجوقی است. اما تماماً دوره ی قاجار را به یاد می آورد. صحنه ها اغلب مصنوعی هستند.

۹- سروه یک کرباس (۱۳۳۴) یا اصفهان نامه :

در دو جلد شرح مسایل فرهنگی، آموزشی، کسب و کار و خلق و خوی مردم اصفهان است. کتاب آمیزه ای است از خاطرات و نقل قول های بزرگان درباره ی اصفهان و اگر چه به لحاظ داستان نویسی عیوبی دارد، اما نویسنده با قلم شیوا و نشر توصیفی خود و بهره گیری از ادبیات عامیانه و وصف آدم های این مجموعه، روایتی دل چسب و خواندنی را فراهم کرده است.

۱۰- شاهکار (۱۳۳۷) مجموعه ی هفت قصه با نام های پلنگ، نوع پرست، شاهکار، مجادله ی دو پشه، کباب غاز، دشمن خونی و سگ زرده است. جمال زاده این کتاب را از سایر آثارش بیشتر می پسندد.

۱۱- کهنه ونو (۱۳۳۸):

در این کتاب نیز جمال زاده به قول خود، یادهای کهن را نشخوار می کند. در مجموعه ی نوشته ها و داستان های این کتاب از قرطاس بازی اداره ها، ریاکاری واعظین دروغین، بی تصمیمی روشنفکران، سودپرستی مقام جویان و دل سوزی به وضع روستاییان سخن رفته است.

۱۲- غیر از خداهیچ کس نبود (۱۳۴۰):

شامل هفت داستان بانام های ایلچی و قیصر کالیگولا، حساب هایی که، قلب ماهیت، آخوند داریم تا آخوند (نمایش نامه)، دو آتشفشان، میرزاخطاط و امنیت شکم است.

۱۳- قصه های کوتاه برای بچه های ریش دار (۱۳۵۲):

این اثر شامل دوازده قصه به نام های عروسی داریم عروسی، نوروز و عیدی خاله خداداد، قبل بر وزن دهل، تعصب یک طرفه، بگیر ونده، خیر خواهی محض، دلی دارد زیبا، صالح و طالح، سقط فروش و پیر قوم، نان و دندان و پینه دوز و پاشنه کش است.

۱۴- قصه ی ما به سر رسید (۱۳۵۷):

جمال زاده این داستان را در سال ۱۳۵۴ در بیمارستان نوشته است. داستان وصف یک روستاست، آنچنان که باید باشد، نوعی ابر شهر یا مدینه ی فاضله با تمام خوبی ها و زیبایی هایش، شاید این داستان تنها سخن گفتن از راه دور با هم وطنان باشد و الا خالی از هر گونه لطف ادبی یا عنصر داستانی است.

تاریخ و ادبیات

- گنج شایان
- تاریخ روابط روس با ایران
- پندنامهٔ سعدی یا گلستان نیکبختی
- قصه قصه‌ها (از روی قصص المعمای تنکابنی،)
- بانگ نای (داستان‌های مثنوی معنوی،)
- فرهنگ لغات عوامانه
- طریقهٔ نویسندگی و داستان‌سرایی
- سرگذشت حاجی بابای اصفهانی
- اندک آشنایی با حافظ

داستان‌ها

- یکی بود، یکی نبود ۱۳۰۰
- سر و ته یه کرباس ۱۳۲۳
- دارالمجانین، سرگذشت عمو حسینعلی ۱۳۲۱
- زمین، ارباب، دهقان
- صندوقچه اسرار ۱۳۴۲
- تلخ و شیرین ۱۳۳۴
- فارسی شکر است
- راه‌آب‌نامه
- قصه‌های کوتاه برای بچه‌های ریش‌دار ۱۳۵۲
- قصهٔ ما به سر رسید ۱۳۵۷
- قلتش دیوان ۱۳۲۵
- صحرای محشر
- هزار پیشه ۱۳۲۶
- معصومه شیرازی ۱۳۳۳
- هفت کشور

- قصه‌های کوتاه قنبرعلی ۱۳۳۸
- شاهکار ۱۳۳۷
- کهنه و نو
- غیر از خدا هیچکس نبود ۱۳۴۰
- شورآباد ۱۳۴۱
- خاک و آدم
- آسمان و ریسمان ۱۳۴۳
- مرکب محو ۱۳۴۴

سیاسی واجتماعی

- آزادی وحیثیت انسانی ۱۳۳۸
- خاک و آدم ۱۳۴۰
- زمین، ارباب، دهقان ۱۳۴۱
- خلیات ما ایرانیان ۱۳۴۵
- تصویر زن در فرهنگ ایران ۱۳۵۷

ترجمه

- قهوه خانه سورات یا جنگ هفتاد و دو ملت (برناردن دو سن پیر)
- ویلهلم تل (شیللر)
- داستان بشر (هندریک وان لون)
- دون کارلوس
- خسیس
- داستانهای برگزیده
- دشمن ملت
- داستانهای هفت کشور
- بلای ترکمن در ایران قاجاریه
- قنبرعلی جوانمرد شیراز (آرتور کنت دوگوپینو)
- سیر وسیاحت در ترکستان وایران هانری موزر
- جنگ ترکمن (آرتور کنت دوگبینو)

منابع و مأخذ:

- ۱- برگزیده آثار سید محمد علی جمالزاده، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات شهاب و سخن، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۷۹۱
- ۲- دکتر حسن ذوالفقاری - فصلنامه ی رشد شماره ی ۴۹ سال سیزدهم
- ۳- لحظه ای و سخنی با سید محمد علی جمالزاده، گردآوری و تنظیم مسعود رضوی، تهران: انتشارات همشهری، چاپ اول ۱۳۷۳، ص ۳۷۵
- ۴- برگزیده آثار سید محمد علی جمالزاده، به کوشش علی دهباشی، تهران: انتشارات شهاب و سخن، چاپ اول ۱۳۷۸، ص ۸۰۷- ۷۹۱
- ۵- یاد سید محمد علی جمالزاده، به کوشش علی دهباشی، تهران: نشر ثالث، چاپ اول ۱۳۷۷، ص ۲۵۷ - ۲۵۸ (باسپاس از همکاری جناب آقای بسطامی دانشجوی رشته امور فرهنگی)